

نمونه سوالات درس مسابرداری مدیریت

۱- تفاوت‌های اصلی حسابداری مدیریت و حسابداری مالی را در چهار بخش عمده تبیین نمایید.

تفاوت‌های حسابداری مدیریت و حسابداری مالی	
حسابداری مالی	حسابداری مدیریت
استفاده‌کنندگان از اطلاعات	
گروه‌های ذیحق، ذینفع و ذیعلاقه برون واحد انتفاعی	مدیران درون واحد انتفاعی انتفاعی
ضوابط	
مقید به رعایت اصول پذیرفته شده حسابداری است که توسط مراجع ذیصلاح تدوین می‌گردد.	مقید به رعایت ضوابط معین نیست زیرا تنها در خدمت مدیریت واحد انتفاعی است
منابع اطلاعات اولیه	
تقریباً محدود به اطلاعاتی است که توسط سیستم کل حسابداری ارائه می‌شود.	سیستم کلی حسابداری واحد انتفاعی، به علاوه منابع مختلفی که اطلاعاتی نظیر نرخ محصولات معیوب تولیدی، مقادیر فیزیکی مواد و ساعات کار مصرف شده در تولید و امثالهم را ارائه می‌کنند.
ماهیت گزارشها و روشها	
گزارشها معمولاً به کل واحد انتفاعی (واحد گزارشگر) توجه دارد و از اطلاعات مبتنی بر رویدادهای مالی گذشته استفاده می‌کند.	گزارشها معمولاً به عملیات واحدهای تابعه واحد انتفاعی توجه دارد و ترکیبی از اطلاعات تاریخی، پیش‌بینی‌ها و برآوردها را بکار می‌گیرد.

۲- ویژگی‌های اطلاعات حسابداری مدیریت را نام ببرید و مشخص نمایید که کدامیک از آنها در تهیه

اطلاعات حسابداری مدیریت بیشتر از اطلاعات حسابداری مالی مورد تاکید قرار می‌گیرد.

- مربوط بودن : یکی از ویژگیهای با اهمیت اطلاعات حسابداری مدیریت، مربوط بودن است یعنی این اطلاعات باید با مسئله یا تصمیم در دست بررسی مرتبط باشد. اگرچه این ویژگی در اطلاعات حسابداری مالی نیز مطرح است اما، در تهیه اطلاعات حسابداری مدیریت بیشتر مورد تاکید قرار می‌گیرد.
- به موقع بودن : اطلاعات حسابداری مدیریت باید به هنگام تهیه شود و به موقع در اختیار استفاده‌کنندگان قرار گیرد زیرا، با گذشت زمان ممکن است ارزش اطلاعات از دست برود.
- صحیح بودن : اطلاعات حسابداری مدیریت باید صحیح باشد زیرا به موقع‌ترین اطلاعات در صورت صحیح نبودن، ارزش چندانی ندارد.

۳- مدیران واحدهای تجاری معمولاً در چهار نوع فعالیت اصلی درگیر می شوند. این فعالیتها را نام ببرید و مشخص نمایید که مدیریت برای انجام هر یک از این فعالیتها نیازمند چیست و این نیاز از چه منابعی تامین می شود.

- تصمیم گیری
- رهبری فعالیتهای عملیاتی
- برنامه ریزی
- کنترل

برای انجام هر یک از فعالیتهای چهارگانه بالا، مدیریت نیازمند اطلاعات است. این اطلاعات می تواند از منابع مختلفی نظیر اقتصاددانان، متخصصین مالی، کارکنان فروش و بازاریابی، کارکنان تولید و حسابداران مدیریت بدست آید.

۴- فرآیند تصمیم گیری که اغلب مدیران در مورد آن توافق دارند را نام ببرید و مشخص نمایید که در کدام مراحل از این فرآیند، اطلاعات حسابداری بکار می آید.

- مرحله اول (تعریف مسئله): در نظر گرفتن مباحث استراتژیک مربوط/ پرهیز از اتخاذ تصمیماتی که تنها کوتاه مدت بهترین راهکار هستند.
- مرحله دوم (شناسایی راه حلها): مشخص کردن معیار برای تصمیم گیری (معیارهای مورد نظر مدیران : معمولاً کمی و قابل حصول در کوتاه مدت است لذا مدیران باید به چند هدف همزمان توجه کنند).
- مرحله سوم (گردآوری اطلاعات مربوط): تجزیه و تحلیل درآمدها و هزینه های مربوط و هزینه های استراتژیک (الف) شناسایی و جمع آوری اطلاعات مربوط ب) انجام پیش بینی بر اساس اطلاعات مربوط ج) مباحث استراتژیک
- مرحله چهارم (تصمیم گیری): انتخاب بهترین راهکار
- مرحله پنجم (بازخورد و ارزیابی نتایج)

۵- حسابداری مدیریت را با حسابداری بهای تمام شده مقایسه نمایید.

کانون توجه حسابداری مدیریت و حسابداری بهای تمام شده نیازهای اطلاعاتی مدیران در داخل واحد انتفاعی می باشد. سیستم حسابداری بهای تمام شده اقلام بهای تمام شده را برای استفاده حسابداری مدیریت و مالی گردآوری میکند. * در حسابداری بهای تمام شده برای محاسبه بهای تمام شده محصولات ، تنها اقلام ثابتی که به امر تولید مربوط باشد منظور می گردد و اقلامی مانند هزینه های اداری و فروش که مبلغ آن در کوتاه مدت ثابت است ، جزء بهای تمام شده محصولات منظور نمی شود بلکه به عنوان هزینه های دوره محسوب و مستقیماً در صورت سود و زیان منعکس می گردد . اما در مدل های حسابداری مدیریت، اقلام ثابت بهای تمام شده شامل کلیه مخارجی می شود که در یک دوره مالی یا در کوتاه

مدت قابل تغییر نباشد لذا علاوه بر سربار ساخت ، هزینه هایی مانند اداری و فروش نیز جزء اقائم ثابت بهای تمام شده منظور می گردد.

حسابداری مدیریت: به شاخه ای از حسابداری که وظیفه تهیه اطلاعات مالی برای مدیریت مؤسسه را بر عهده دارد حسابداری مدیریت گفته می شود.

※ استفاده کنندگان از اطلاعات (مدیران درون واحد انتفاعی انتفاعی)

※ ضوابط (مقید به رعایت ضوابط معین نیست زیرا تنها در خدمت مدیریت انتفاعی است)

※ منابع اطلاعات اولیه (سیستم کلی حسابداری واحد انتفاعی بعلاوه منابع مختلفی که اطلاعاتی نظیر نرخ محصولات معیوب تولیدی، مقادیر فیزیکی مواد و ساعات کار مصرف شده در تولید و امثالهم را ارائه میدهد).

※ ماهیت گزارشها و روشها (گزارشها معمولاً به عملیات واحد های تابعه واحد انتفاعی توجه دارد و ترکیبی از اطلاعات تاریخی، پیش بینی ها و برآوردها را بکار میگیرد)

حسابداری بهای تمام شده: شاخه ای از حسابداری مدیریت می باشد که وظیفه جمع آوری اقلام مربوط به محاسبه بهای تمام شده کالا و خدمات ساخته شده و ارائه داده شده و همچنین یافتن راه هایی جهت تقلیل هزینه ها را به نحو معقولی بر عهده دارد. مقررات و قوانین حاکم بر حسابداری بهای تمام شده غیر مستقیم می باشند و هر مؤسسه ای با توجه به نیازهای خود می تواند مقرراتی را وضع کند. مبنای قیمت گذاری در حسابداری بهای تمام شده می تواند اندازه گیری بر مبنای پول باشد یا هرگونه اندازه گیری فیزیکی مرتبط باشد. در حسابداری بهای تمام شده اطلاعات و گزارشگری هر زمانی که مدیریت نیاز داشته باشد تهیه و ارائه می شود. اطلاعات مربوط به حسابداری بهای تمام شده معمولاً مربوط به یک واحد، دایره یا دپارتمان خاص می باشد

۶- منظور از هزینه های بدون ارزش افزوده چیست؟ یک مورد از آنرا به عنوان نمونه توضیح دهید.

- زمان اجرای فرآیند تولید : زمانی که طی آن فعالیت تبدیل انجام می شود.
- زمان بازرسی : زمانی که برای حصول اطمینان از مطلوبیت کیفیت محصولات صرف می شود.
- زمان جابجایی : زمانی که برای جابجایی مواد خام، کالای نیم ساخته و کالای ساخته شده بین عملیات مختلف صرف می شود.
- زمان انتظار : زمانی که مواد خام یا کالای نیم ساخته برای عملیات بعدی منتظر می ماند.
- زمان انبارداری : زمانی که طی آن مواد یا کالاهای آماده فروش قبل از فرآیندهای بعدی یا ارسال برای مشتریان در انبار نگهداری می شود.

۷- سیستم مدیریت هزینه که ابزاری برای برنامه ریزی و کنترل محسوب می شود، چه اهدافی را دنبال می نماید؟

- اندازه گیری هزینه منابعی که در اجرای فعالیتهای اصلی واحد انتفاعی مصرف می شود.

- تشخیص و حذف هزینه هایی که ارزش افزوده ایجاد نمی کند.
 - تعیین کارایی و اثربخشی تمامی فعالیتهایی که در واحد انتفاعی انجام می شود.
 - تشخیص و ارزیابی فعالیتهای جدیدی که می تواند عملکرد آتی سازمان را بهبود بخشد.
- ۸- از علائمی که طراحی و اجرای سیستم هزینه یابی مبتنی بر فعالیت را ضروری می سازد چهار مورد را نام ببرید و یکی از آن چهار مورد را تشریح نمایید.

- مدیران اجرایی اعتقادی به بهای تمام شده محاسبه شده توسط حسابداری ندارند.
- مسئولین فروش و بازاریابی، تصمیمات قیمت گذاری را بر اساس بهای تمام شده گزارش شده اتخاذ نمی کنند.
- محصولات پیچیده ای که تولید آن دشوار است، ظاهراً سودآور به نظر می رسد.
- توجیه حاشیه فروش محصولات مشکل می باشد.
- علیرغم افزایش فروش، سود کاهش می یابد.
- مدیران اجرایی پیشنهاد می کنند که تولید برخی محصولات ظاهراً سودآور متوقف شود.
- رقبای تجاری، برخی از محصولات ظاهراً سودآور را تولید و عرضه نمی کنند.
- نرخهای تخصیصی سربار نسبتاً بالاست و با گذشت زمان افزایش می یابد.
- هزینه دستمزد درصد کمی از بهای تمام شده را تشکیل می دهد.
- توجیه نتایج حاصل از شرکت در مناقصه ها مشکل است.

۹- هزینه فرصت از دست رفته را به طور مختصر حداکثر در ۵ سطر تبیین نمایید.

هزینه فرصت از دست رفته به معنی هزینه های ناشی از رد بهترین گزینه جایگزین در هنگام اخذ یک تصمیم است. هزینه فرصت از دست رفته هر تصمیم یا انتخاب برابر است با بالاترین فرصت یا فایده از دست رفته ناشی از انتخابی که می توانست بجای انتخاب مذکور با صرف همان مقدار منابع و زمان به کار رفته صورت گیرد. به عبارتی هزینه فرصت تصمیم برابر با بالاترین فایده ای است که به دلیل عدم اتخاذ سایر تصمیم ها از دست می رود. این تحلیل (هزینه فرصت) ، مبنای تصمیم گیری و تخصیص منابع می باشد. زمانی که در مورد مصرف منابع کمیاب (دارای محدودیت مصرف) ، جهت تولید کالایی معین از کالایی دیگر چشم پوشیمی کنیم ، در واقع آن کالای دیگر را جهت تولید کالای معینی، قربانی کرده ایم و این کاهش تولید (کالای فدا شده) را می توان به منزله هزینه تولید کالای معین تلقی کرد، که به آن هزینه فرصت گفته می شود.

۱۰- فرض دامنه مربوط را در ارتباط با گرایش های اقلام بهای تمام شده توصیف نمایید.

فرض دامنه مربوط حاکی از این است که گرایش مشخص شده برای اقلام بهای تمام شده، تنها در دامنه معینی از فعالیت (تولید) صحیح است. به عبارت دیگر، اقلام بهای تمام شده در سطوح فعالیت پایین تر یا بالاتر از این دامنه، ممکن است گرایش متفاوتی داشته باشد.

۱۱- منظور از نقطه بی تفاوتی بهای تمام شده چیست؟ چه تفاوتی با نقطه بی تفاوتی قیمت دارد؟

نقطه بی تفاوتی بهای تمام شده معرف سطحی از تولید است که در آن اقلام ثابت کمتر روش (الف) دقیقاً بوسیله اقلام متغییر بیشتر آن بی اثر می شود. (نقطه بی تفاوتی بهای تمام شده که مقدار تولید و فروشی را نشان می دهد که در آن مقدار سود و زیان دو روش با هم برابر است) .

هدف از تجزیه و تحلیل نقطه بی تفاوتی روشن ساختن این مطلب است که آیا ساختارهای مختلف سرمایه در ازاء چه مقادیری از سود قبل از بهره و مالیات می توانند میزان سود هر سهم را به بالاترین حد برسانند. بنابراین، از مجرا تجزیه و تحلیل نقطه بی تفاوتی می توان مطلوبیت ساختارهای مختلف سرمایه را (از دیدگاه سود آوری) مورد ارزیابی و قضاوت قرار داد. کاربرد در نقطه بی تفاوتی بهای تمام شده : در مواردی که مدیریت قصد انتخاب یکی از دو یا چند راه حل را دارد از این تکنیک استفاده می کند. بهترین راه حل کمترین هزینه را دارد.

نحوه استفاده از تکنیک نقطه بی تفاوتی بهای تمام شده

در نقطه بی تفاوتی بهای تمام شده : انتخاب هر یک از روشها فرقی نمی کند.

بالاتر از نقطه بی تفاوتی بهای تمام شده : روشی مناسب تر است که هزینه متغییر کمتری دارد.

پایین تر از نقطه بی تفاوتی بهای تمام شده : روشی مناسب تر است که هزینه ثابت کمتری دارد.

کاربرد نقطه بی تفاوتی قیمت در مواردی است که مدیریت قصد افزایش قیمت دارد.

در نقطه بی تفاوتی قیمت : سود با قیمت جدید مساوی با سود با قیمت قبل است.

بالاتر از نقطه بی تفاوتی قیمت : اگر تعداد فروش با قیمت جدید بالاتر از نقطه بی تفاوتی باشد، افزایش قیمت به مصلحت است.

پایین تر از نقطه بی تفاوتی قیمت : اگر تعداد فروش با قیمت جدید پایین تر از نقطه بی تفاوتی باشد، افزایش قیمت به مصلحت نیست.

سود مورد انتظار + اقلام ثابت + (اقلام متغییر یک واحد) (تعداد فروش) = تعداد فروش * قیمت فروش جدید

۱۲- در تصمیم گیری برای فروش محصول در نقطه تفکیک محصولات مشترک یا ادامه فرآیند تولید، چه اقلام

بهای تمام شده ای مربوط به شمار می آید. بهای تمام شده تا نقطه تفکیک ، برای محصولات ، مشترک و پس از آن برای هر یک از محصولات جداگانه محاسبه می شود .

ارقام بهای تمام شده محصولات با استفاده از دو روش تخصیص مخارج مشترک ، یعنی مقدار تولید و نسبت بهای تمام شده به فروش خلاصه شده است . لذا در صورت توقف یک محصول ، مخارج مشترک وجود دارد و همه آنها باید به محصولات دیگر تخصیص یابد. اگر هیچ یک از محصولات در نقطه تفکیک فروخته نشود ، مخارج مشترک نامربوط و تنها اقلام تفاضلی بهای تمام شده موثر است تنها در یک مورد می توان مخارج مشترک را مربوط به حساب آورد و آن هنگامی است که تصمیمگیری درباره تولید یا حذف محصولاتی از فرایند تولید باشد. آنجایی که همه اقلام بهای تمام شده اهمیت یکسانی در تصمیم گیریها ندارند، مدیران باید اقلام مؤثر بر هر یک از تصمیمات خود را مشخص نمایند. نکته اساسی در مبحث بهای تمام شده ، تشخیص هزینه های مربوط از هزینه های نامربوط است. در هر تصمیم بایستی توجه خاصی به اقلام

بهای تمام شده مربوط و نامربوط شود، چرا که ماهیت اقلام با نوع تصمیم تغییر می کند و اقلامی که برای یک تصمیم مربوط هستند، ممکن است برای تصمیم دیگر نامربوط باشند. عوامل بهای تمام شده ۱۰: مواد مستقیم: به موادی اطلاق می شود که مستقیماً در ساخت محصول نقش دارند و ماهیت و شکل کالای ساخته شده بیشتر به آنها بستگی دارد و همچنین از نظر بهاء در مقایسه با سایر مواد بکار رفته در محصول از ارزش بیشتری برخوردار می باشند ۲. دستمزد مستقیم: دستمزد کارگران و عوامل تولید می باشد که مستقیماً در تولید کالا و ارائه خدمات نقش دارند ۳. هزینه های غیر مستقیم (سربار): هزینه های هستند که در کارخانه به مصرف می رسند اما مستقیماً در تولید نقشی ندارند. هزینه اجاره ساختمان کارخانه، هزینه آب و برق و ... کارخانه، هزینه استهلاک

۱۳- هدف از کاربرد روش متوسط متحرک و روش معادله های نمایی چیست؟ روش دوم از چه لحاظ با روش اول تفاوت دارد؟

هدف: در تجزیه و تحلیل روند تعیین گرایشهای اقلام بهای تمام شده این دو روش متداول است که همواره ارقام و اطلاعات موجود در سایه ارقام و اطلاعات جدید مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. در روش متوسط متحرک جدیدترین رقم به مجموعه ارقام اضافه و قدیمی ترین رقم آن حذف می گردد. با این ترتیب هنگامی که رقم جدیدی در اختیار قرار می گیرد، متوسط جدیدی نیز محاسبه می شود. در روش معادله های نمایی، هیچیک از ارقام حذف نمی گردد بلکه اهمیت نسبی ارقام جدید و ارقام قدیم با ضرایب α و $(1-\alpha)$ موزون می شود. ضریب α معمولاً بین صفر و یک نوسان می کند. هر چه که مقدار α بزرگتر فرض شود، اهمیت بیشتری به ارقام جدید داده خواهد شد.

تفاوت: برتری روش دوم بر اول الف: در مواردی که ارقام تحت بررسی زیاد است، محاسبات آن به مراتب آسان است ب: چون به ارقام جدید وزن بیشتری داده می شود، اثر تاخیری روش متوسط متحرک به حداقل می رسد.

۴- آنچه در مورد اصطلاح " طرح سود " می دانید حداکثر در پنج سطر بنویسید.

یک طرح سود خلاصه ای از جریان درآمدها و هزینه های مورد انتظار را برای یک دوره معین مالی ارائه می نماید. اصطلاح طرح سود: برای واحدهایی بکار می رود که مسئولیت کسب سود دارند یعنی واحدهایی کسب و کاری که تولید یا حفظ درآمدها و هزینه ها را بر عهده دارند. مثال طرح سود یک کسب و کار تولیدی که نسبت به هزینه و درآمد مسئول است.

در عین حال گاهی به صورت جایگزین استفاده می شوند.

معمولاً مدیران در بیشتر سازمان ها تهیه طرح سود و یا بودجه را بر اساس یک الگوی واحد و چند ماه پیش از شروع سال مالی تهیه می کنند. و از این کار اهدافی را پیگیری می کنند: ۱- ترجمه استراتژی کسب و کار به یک برنامه تفصیلی برای خلق ارزش (در واقع با این کار سعی می شود تفسیرهای مختلف از استراتژی کمتر شود و همگان به یک تفسیر واحد نزدیک تر شوند. ۲- ارزیابی کفایت منابع موجود برای اجرای استراتژی مورد نظر

مرحله نگارش طرح سود : مرحله اول : برآورد حجم فروش. مرحله دوم : پیش بینی هزینه های عملیاتی مرحله سوم : محاسبه سود مورد انتظار مرحله چهارم : تعیین ارزش سرمایه گذاری در دارایی های جدید مرحله پنجم : بستن چرخه سود و آزمایش فرضیات اصلی

۱۵- هزینه نگهداری موجودیها شامل چه اقلامی است؟

- هزینه تامین مالی وجوه صرف شده در موجودیها
- هزینه های سوخت، روشنایی و استهلاک تسهیلات انبار
- هزینه جابجا کردن موجودیها
- هزینه بیمه موجودیها
- هزینه فاسد شدن، نابابی و از بین رفتن موجودیها
- هزینه های پرسنلی انبار

۱۶- ویژگی های عمده سیستم مدیریت به موقع خرید را نام ببرید.

۱. فروشندگان معدود
۲. انعقاد قراردادهای بلند مدت با فروشندگان
۳. تحویل به موقع نیازمندیها با مقدار کم
۴. کم شدن زمان بازرسی کالاهای تحویلی
۵. کاهش هزینه های پرداخت

۱۷- چهار مورد از ویژگی های عمده سیستم مدیریت به موقع موجودیها در فرآیند تولید را نام ببرید.

۱. سرعت یکنواخت و هموار تولید
۲. مراحل هماهنگ فرآیند تولید
۳. خرید یا تولید به مقدار نسبتاً
۴. راه اندازی سریع و کم هزینه ماشین آلات
۵. کیفیت بالا برای مواد اولیه و کالاهای ساخته شده
۶. سیستم اثربخش نگهداری تجهیزات
۷. بهبود سیستم تولید از طریق کار گروهی
۸. تنوع مهارتهای کارکنان و انعطاف تجهیزات

۱۸- تفاوت سیستم ارزشیابی دائمی موجودیها را با سیستم ارزشیابی ادواری بنویسید.

در اغلب واحدهای تجاری و ندرتاً در واحدهای تولیدی، سیستم ادواری ارزشیابی موجودیها متداول است. در این سیستم هم بهای تمام شده کالای فروش رفته و هم موجودیهای پایان دوره در پایان دوره مالی به هنگام تهیه

صورت‌های مالی محاسبه می‌شود. در این روش موجودیهای آخر دوره شمارش شده و ارزش آن بر مبنای یکی از روشهای پذیرفته شده گردش بهای تمام شده تعیین می‌شود و حسابدارها با کسر کردن ارزش آن از بهای تمام شده کالای آماده برای فروش (که خود از موجودیهای اول دوره بعلاوه خرید طی دوره بدست می‌آید) بهای تمام شده کالای فروش رفته را محاسبه می‌نمایند.

ارزش کالای آماده برای فروش = ارزش موجودی در ابتدای دوره + خرید موجودی طی دوره
بهای تمام شده کالای فروش رفته = ارزش کالای آماده برای فروش - ارزش موجودی در پایان دوره روشهای مختلف ارزیابی ادواری موجودیها به سه دسته کلی تقسیم می‌شود که عبارتند از:

۱- روش **fifo** یا اولین صادره از اولین وارده (**first in first out**)

۲- روش **lifo** یا اولین صادره از آخرین وارده (**last in first out**)

۳- روش میانگین موزنی (**weighted average**)

در سیستم ارزشیابی دائمی موجودیها، کلیه مبادلات خرید و فروش در حساب موجودیها ثبت می‌شود. نظر به اینکه این سیستم باعث می‌شود که حساب موجودیهای کالاها همواره با زمان منطبق باشد (بروز باشد) تحت این عنوان سیستم ارزیابی دائمی موجودیها نامگذاری شده است. هر گونه ورود و خروج از انبار باید به قیمتی ارزیابی گردد اینجاست که انتخاب شیوه قیمت گذاری برای اقلام ورودی و خروجی از انبار الزامی شود مهمترین روشهای نگهداری و ارزشیابی و تقویم دائمی موجودیها عبارتند از:

۱- روش شناسایی ویژه (**specific identification**)

۲- روش **fifo** (**first in first out**)

۳- روش **lifo** (**last in first out**)

۴- روش شناسایی ویژه:

اعمال این روش مستلزم پیگیری جریان فیزیکی و بهای تمام شده هر قلم از موجودیها از زمان تحصیل تا موقع فروش یا مصرف است. این روش در زمانی مناسب است که بتوان هر قلم از موجودی را بطور جداگانه ای مشخص کرد و بهای تمام شده مربوط به آنرا تخصیص داد و معمولاً برای اقلام گران قیمت و منحصر بفرد مثل جواهرات و آثار هنری و نظیر آنها کاربرد دارد و عمومیت کاربردی ندارد.

آثار اجرای روشهای **FIFO** و **LIFO** را بر صورت سود و زیان و ترازنامه در دوره های افزایش و کاهش قیمت‌ها مقایسه نماید.

lifo مزیت عمده این روش این است که در دوره افزایش قیمت‌ها سود ناخالص به میزانی کمتر محاسبه و مالیات بر درآمد کمتری پرداخت گردد. که موجب بهبود وضعیت نقدینگی و گردش وجوه نقد میشود ضمناً درآمد جاری با اقلام بهای تمام شده نزدیک به قیمت‌های جاری مقایسه و مقابله و در نتیجه سود ناخالص نیز سود آوری تجاری را بهتر نشان می‌دهد

اگر این روش در چند دوره مالی متوالی به کار برده شود اقلام موجودیهای منعکس در ترازنامه با ارزش به مراتب کمتر از قیمت‌های جاری در موقع افزایش‌قیمت‌ها نشان داده میشود زیرا مبنای اقلام بهای تمام شده قدیمی و نسبتاً ارزان (که موجب پایین آمدن غیر عادی بهای تمام شده کالای فروش رفته است) محاسبه و ارزیابی شده است و افزایش سود غیر معقولی را موجب خواهد شد

در دوره‌هایی که قیمت‌ها در حال افزایش باشد اجرای LIFO موجب محاسبه سود ناخالص کمتر در مقایسه با روش فایفو میشود اگرچه سود کمتر موجب پرداخت مالیات کمتری میگردد اما سود هر سهم ارائه تصویری نادرست از قدرت سودآوری شرکت یا واحد تجاری را موجب میشود لذا این است که مسئولین کشورهای صنعتی شرکتها را مقید کرده اند تا جهت مقاصد مالیاتی در صورت استفاده از LIFO آن را در محاسبه سود ناخالص به منظور گزارشگری مالی نیز بکار برند

در دوران کاهش قیمت‌ها، اعمال روش فوق به افزایش سود و در نتیجه افزایش مالیات و حذف مزیت نقدی می انجامد. همچنین با به کارگیری روش LIFO باعث می شود در تراز نامه موجودیها کمتر از واقع گزارش می شود. از سوی دیگر روش مزبور امکان دستکاری در اندازه گیری سود را با تغییرات در میزان خرید اقلام موجودی در اواخر سال فراهم می نماید. در مواقع بحران، توقف تولید و یا پایین آوردن سطح موجودی واحد‌های اقتصادی، اقلامی از موجودیهای اولیه فروخته می شود که با قیمت‌های بسیار پایین ارزیابی شده و در نتیجه سودها عمده و لیکن واهی و مجازی شناسایی می گردد.

در روش LIFO قیمت‌های تورمی خرید‌های آخر به عملیات دوره‌های افزایش قیمت‌ها منظور شده و بدین ترتیب، منجر به کاهش سود و هزینه مالیات بر درآمد گردیده و از طریق انتقال مالیات بر درآمد به دوره‌های آتی، مزیت نقدی ایجاد می نماید

اجرای FIFO در دوره‌هایی که قیمت‌ها در حال افزایش است موجب ایجاد سود ناخالص بیشتر میشود علیرغم مزایای فوق سود بیشتر موجبات مالیات بر درآمد بیشتر را فراهم می آورد و درآمدهای جاری با اقلام بهای تمام شده نسبتاً قدیمی مقایسه می شود و در نتیجه کارایی و سودآوری بیش از واقع نشان داده میشود ضمن اینکه برای جایگزینی اقلام موجودیها بهای بیشتری نیز باید پرداخت کرد

(FIFO)

الف) مزایا: این روش در بیشتر موارد از گردش فیزیکی کالا تبعیت کرده و موجودی کالای پایان دوره را به قیمت‌هایی نزدیک به قیمت‌های بازار محاسبه و در ترازنامه منعکس می نماید.

ب) معایب: در دوران افزایش قیمت‌ها، استفاده از روش فایفو منجر به شناسایی بیشترین سود می شود چون قیمت تمام شده کالای فروش رفته که برحسب اولین موجودیها محاسبه شده (و از قیمت‌های پایین تری برخوردار است) با درآمد حاصل از فروش‌های جاری مقابله می گردد.

بدین ترتیب در روش مزبور از یک طرف اصل تقابل درآمد و هزینه به شکل دقیقی رعایت نشده و از طرف دیگر سود ناشی از نگهداری کالا که صرفاً ناشی از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها است به عنوان سود عملیاتی تلقی می گردد. این نحوه عمل

باعث آن خواهد شد که شرکت از یکسو هزینه مالیات بیشتری متقبل شود و از سوی دیگر توان جایگزین نمودن کالای فروش رفته را به تدریج از دست خواهد داد

۱۹- چهار مورد از عوامل عمده موثر بر تصمیمات قیمت گذاری را نام ببرید.

- اقلام بهای تمام شده
- سود و فروش مورد انتظار
- نوع محصولات یا خدمات
- نوع صنعت
- شهرت یا اعتبار واحد تجاری
- خط مشی دولت
- روش مدیریت
- فعالیتهای رقبای تجاری
- نوع بازار
- روند عمومی اقتصاد
- سایر عوامل

۲۰- نحوه قیمت گذاری بر مبنای سود مورد انتظار را بطور مختصر توضیح دهید.

قیمت گذاری در این روش بر اساس نرخ بازده از سرمایه گذاری انجام می شود. در این روش، شرکت، قیمتی را تعیین می کند که به یک نرخ بازده از سرمایه گذاری برسد. در اجرای این روش اگر شرکت بتواند هزینه ها و فروش را به صورتی دقیق برآورد کند، بازده سرمایه مورد انتظار تحقق خواهد یافت. در غیر این صورت شرکت به نتایج مورد انتظار دست پیدا نخواهد کرد.

۲۱- یک مدل برنامه ریزی خطی برای حداکثر کردن سود یک شرکت تولیدی که دو نوع محصول تولید می کند از چه اقلامی تشکیل می شود؟

از بخش های اصلی مدل برنامه ریزی خطی، حداقل کردن یا حداثر کردن تابع هدف مورد نظر است. برای ساختن مدل برنامه ریزی لازم است مراحل زیر انجام شود.

۱) تعریف مجموعه فعالیت ها (۲) تعریف مجموعه اقلام (۳) تعیین پارامترهای ورودی مسئله (۴) تعیین تابع هدف برنامه ریزی خطی دسته ای از مدل های برنامه ریزی ریاضی است که مربوط می شود به مناسب ترین ترکیب از منابع محدود به فعالیت های معلوم به منظور دست یابی به هدفی مطلوب. مانند ماکزیمم کردن سود یا مینیمم کردن هزینه. خصوصیت بارز برنامه ریزی خطی این است که در آنها برنامه معرف هدف برنامه ریزی یا محدودیت ها و یا قید و منابع خطی بوده و متغیرها نیز مجهول هستند. هر تصمیم گیرنده منابعی از قبیل سرمایه یا پول، نیروی انسانی یا کار، مواد خام اولیه یا منابع طبیعی ماشین آلات و تجهیزات و تکنولوژی اطلاعات و مدیریت در

اختیار دارد که همگی از لحاظ کمیت و کیفیت محدود می باشند.

ویژگی های برنامه ریزی خطی

مشخص بودن تابع هدف به صورت خطی

موجود بودن راه حل های مختلف در برنامه ریزی

مشخص بودن محدودیت های منابع به صورت معادلات یا نامعادلات خطی

موجود بودن روابط ریاضی بین متغیرها

* باید در هر مسئله ارقام را مشخص کنیم و برای هر یک از آنها واحدی اختیار شود.

۱- مشخص بودن تابع هدف به صورت خطی

۲- موجود بودن راه حل های مختلف در برنامه ریزی

۳- موجود بودن روابط ریاضی بین متغیرها

۴- مشخص بودن محدودیت های منابع به صورت معادلات یا نامعادلات خطی

۵- غیر منفی بودن متغیرها

۲۲- معایب و محاسن روش نرخ بازده حسابداری را در ارزیابی پروژه های سرمایه ای توصیف نمایید.

محاسن الف : نرخ بازده حسابداری که بر مبنای سود حسابداری و سرمایه گذاری اولیه محاسبه میشود ب : به کار بردن مفهوم

سود حسابداری در محاسبه نرخ بازده د : انتخاب پروژه های تحت بررسی بر مبنای نرخ بازده

حسابداری از صدر فهرست و مرتب کرد ج : لازم است در محاسبه این نرخ ، به جای سرمایه گذاری اولیه ، میانگین مبلغ سرمایه

گذاری در ابتدا و انتهای عمر پروژه بکار برده شود م : هزینه استهلاک هم مورد توجه قرار می گیرد

از معایب روش نرخ بازده الف : آن است که بکارگیری این روش در مقایسه با سایر روشها مشکل است. ب : در

روش نرخ بازده حسابداری ارزش زمانی پول و زمان بندی گردش وجوه نقد در طول عمر پروژه در نظر گرفته نمی

شود. د : سود حسابداری معمولاً برابر جریان نقد نیست

شاخص نرخ بازده حسابداری : حاصل تقسیم متوسط سود خالص (در طی دوران بازدهی) بر متوسط سرمایه گذاری سالانه

است

۲۳- نحوه محاسبه ارزش فعلی خالص NPV را مشخص نمایید.

این روش ارزیابی پروژه های سرمایه گذاری، نوع دیگری از روشهای تنزیل وجوه نقد است. در این روش، کلیه وجوه

نقد دریافتی و پرداختی، با یک نرخ بازده قابل قبول تنزیل می گردد. اگر ارزش فعلی وجوه نقد دریافتی بیش از ارزش

فعلی وجوه نقد پرداختی باشد، پروژه تحت بررسی قابل قبول خواهد بود. در این بررسی، نرخ بازده قابل قبول که

معمولاً مساوی هزینه تامین مالی است، توسط مدیریت انتخاب می شود.

۲۴- در مواردی که نتایج حاصل از بکارگیری دو روش نرخ بازده داخلی و ارزش فعلی خالص با یکدیگر متفاوت

باشد، اکثر تحلیل گران مالی بر نتایج حاصل از کدام روش تاکید می کنند؟

بر نتایج حاصل از روش ارزش فعلی خالص تاکید می کنند.

۲۵- سایر عواملی را که علاوه بر روشهای ارزیابی بودجه بندی سرمایه ای، بر این تصمیمات موثر است نام ببرید.

۱. شرایط اقتصادی (Economic conditions)

۲. سیاستهای رشد (Growth policies)

۳. ارزیابی مخاطره (Risk evaluation)

۴. عوامل ادراکی (Intuitive factors)

۲۶- منظور از مخارج قابل کنترل و غیر قابل کنترل چیست؟

قابلیت کنترل اقلام بهای تمام شده، ارتباطی نزدیک با سیستم حسابداری سنجش مسئولیت دارد. بدین معنی که انحرافات نتایج مالی واقعی از نتایج طرحریزی شده، به مدیرانی گزارش می شود که در قبال تغییر نتایج واقعی اختیار و مسئولیت دارند. یعنی مدیرانی که تصمیمات آنان می تواند نتایج واقعی را به گونه ای تغییر دهد. در این جا که موضوع بحث، کنترل اقلام بهای تمام شده است، مدیران باید بتوانند تصمیماتی اتخاذ کنند که به تغییر مقادیر مصرف یا بهای پرداختی برای این گونه اقلام منجر شود. در صورتی که چنین تواناییهایی وجود داشته باشد، اقلام بهای تمام شده تحت بررسی، قابل کنترل نامیده می شود. در غیر این صورت، اقلام مورد بحث در این سطح مدیریت، غیر قابل کنترل محسوب می گردد. ضمناً لازم به توجه است که در واحدهای تجاری-تولیدی، مخارج غیر قابل کنترل در برخی از سطوح مدیریت، ممکن است در سطوح دیگر مدیریت قابل کنترل باشد. به هر صورت، اقلام بهای تمام شده به مدیرانی گزارش می شود که قادر به کنترل آن باشند.

۲۷- حسابداری سنجش مسئولیت را بطور مختصر توصیف نمایید.

بسیاری از واحدهای تجاری-تولیدی به بخشهای کوچکتری تقسیم می شوند و هر یک از این بخشها مسئولیتهای خاصی واگذار می گردد. هر یک از بخشها متشکل از افرادی است که درباره وظایف معین یا امور مدیریت مسئولیت دارند. مدیریت ارشد واحدهای تجاری-تولیدی باید از هم آهنگی اهداف مدیران این بخشها با اهداف کلی واحد انتفاعی اطمینان حاصل کنند. هماهنگی اهداف نیز هنگامی حاصل می شود که مدیران هر یک از بخشهای تابعه در صدد دستیابی به اهدافی باشند که توسط مدیریت ارشد تعیین شده است. حسابداری سنجش مسئولیت به مفاهیم و ابزارهای مختلفی اشاره دارد که حسابداران مدیریت را قادر می سازد تا عملکرد بخشها و افراد مربوط را ارزیابی و از هماهنگی اهداف اطمینان حاصل کنند.

۲۸- منظور از مرکز هزینه، مرکز درآمد و مرکز سود را بطور مختصر تشریح نمایید.

مرکز هزینه، بخشی از سازمان است که مدیر آن مسئولیت حسابداری در قبال هزینه های انجام شده در آن بخش را به عهده دارد. مثلاً بخش رنگ کاری یک کارخانه اتومبیل سازی را می توان مرکز هزینه محسوب کرد.

مرکز درآمد، مدیر یک مرکز درآمد، مسئولیت حسابداری درآمدهایی را به عهده دارد که به آن مرکز نسبت داده می شود. مثلاً بخش فروش یک شرکت تولیدی، مرکز درآمد به شمار می آید.

مرکز سود، بخشی از سازمان است که مدیر آن مسئولیت حسابدگی در قبال سودهای تحصیل شده آن مرکز را به عهده دارد. مثلاً یک رستوران متعلق به زنجیره رستورانها را می توان مرکز سود تلقی کرد.

۲۹- هر چه در مورد هزینه یابی بر مبنای فعالیت می دانید حداکثر در ۸ سطر بنویسید.

هزینه یابی بر مبنای فعالیت (ABC) تکنیکی است برای تخصیص دقیق منابع مستقیم و غیرمستقیم یک سازمان بر مبنای میزان مصرف آنها در فعالیت های صورت گرفته. در واقع ABC یک روش هزینه یابی است که اطلاعات مفیدی درباره سهم هر کدام از مشتریان در مجموع سودآوری شرکت به مدیران ارائه می دهد. همچنین این روش به مدیران کمک می نماید تا راههای ارتقای عملکرد و اجرای استراتژیهای صحیح سودآور را شناسایی نمایند. یکی از مهمترین توانایی های ABC تبیین این موضوع است که هزینه های کلی مرتبط با خدمات مورد تقاضای مشتریان نقشی حیاتی در تعیین سهم هر یک از مشتریان در سود خالص دارند. مطالعات نشان می دهند که تنها حدود ۲۲٪ مشتریان برای شرکت سودآور هستند، ۲۰٪ آنها در نقطه سر به سر و ۲۲٪ باقیمانده باعث کاهش سودآوری می شوند. آیا شناسایی مشتریانی که بیش از سودآوری می توانند برای شرکت زیان ده و دردسر ساز باشند جالب نیست؟
فواید ضمنی ABC در مدیریت

♣ تمرکز مدیریتی را از مدیریت هزینه ها به مدیریت فعالیت ها جابجا می کند

♣ . در تشخیص، اندازه گیری و کنترل پیچیدگی کمک می نماید.

♣ درک علل بوجود آورنده هزینه را بهبود می نماید.

♣ جهت برنامه ریزی برای عملکردهای آینده مفید می باشد.

♣ بهبود مستمر را پرورش می دهد.

۳۰- اصطلاحات زیر را بطور مختصر تعریف نمایید.

ABC,ABB,ABM,Target Costing

تعریف: ABC

هزینه یابی بر مبنای عملیات، از روش های نوین هزینه یابی است. این روش با بررسی فعالیت هایی که مستقیماً در فرایند عملیاتی دخالت دارند، به ارائه اطلاعات دقیق بهای تمام شده می پردازد.

هزینه یابی بر مبنای فعالیت یک روش هزینه یابی است که بهای تمام شده محصولات را از جمع هزینه فعالیت هایی که منجر به ساخت محصول می شوند بدست می آورد. سیستم هزینه یابی بر مبنای فعالیت پدیده نوینی است که تفکر هزینه یابی سنتی حسابداری مدیریت را به شدت دگرگون ساخته است

هزینه یابی بر مبنای فعالیت روشی است که در آن هزینه ها بر مبنای نسبت سهم فعالیت های صرف شده بوسیله هر محصول، از یک مخزن هزینه به محصولات مختلف تخصیص داده می شود.

تعاریف و کارکردها: ABB

زمانی که بودجه بر مبنای فعالیت تصویب می شود، ABB بخش کلیدی از اقتصاد داخلی است که بین عرضه و

تقاضا توازن برقرار می کند. ABB باعث می شود مدیران ظرف دوره ای میان مدت تا بلندمدت به هزینه های ثابت به عنوان هزینه های متغیر بیندیشند.

مدیریت بر مبنای فعالیت (ABM) رویکرد فلسفه مدیریتی است که ضمن آن بنگاه اقتصادی به مثابه مجموعه ای از فعالیت های به هم پیوسته در نظر گرفته می شود که فعالیت ها در نهایت باید در خدمت ارزش آفرینی برای مشتریان قرار گیرند. مدیریت بر مبنای فعالیت بر این فرض استوار است که در یک بنگاه اقتصادی، انجام فعالیت ها موجب ایجاد هزینه می گردد و بنابراین از طریق اعمال مدیریت بر فعالیت ها، مدیریت بر هزینه ها قابل اعمال خواهد بود.

Target Costing یا هزینه یابی بر مبنای هدف رویکردی است هدف مند برای اینکه یک محصول خاص با کیفیت و کارکرد مشخص باید با چه بهایی تولید شود تا بتوان سود مورد انتظار در قیمت فروش پیش بینی شده تحصیل کرد.

جواب سوال ۲۲ کاملا درست نیست

لطفا پیگیری کنید